

بازرسی شد
۳۷ - ۳۶



Handwritten Persian text in red ink, including the word 'حاشیه' (margin) and some illegible characters.

۷۳۴

بازدید شد
۱۳۸۲

Handwritten Persian text in black ink, including the word 'مجلس' (Majlis).

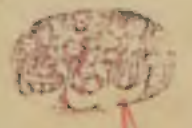
10

20

کتابخانه مجلس شورای ملی			
اسم کتاب: مجموعه سلسله		تاریخ: ۱۳۰۲	
موضوع: تاریخ		شماره دفتر: ۱۸۱۴۳	
شماره: ۲۴۴۶		۸۹۴۱	

خطی، فهرست شده
۸۸۸۰

بازرسی شد
۲۶ - ۲۷



حاشیه

مجلس شورای ملی
کتابخانه مجلس شورای ملی
۱۳۰۴

۷۳۴

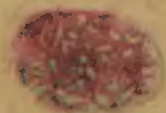
بازدید شد

کتابخانه مجلس شورای ملی		
اسم کتاب	موضوع کتاب	
مجله		شماره
۸۸۸		۱۳۰۴
۱۳۱۳۳		۸۹۴۱

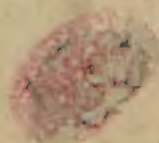
خطی، فهرست شده
۸۸۸۰



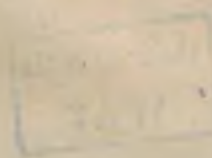
شماره ۱۳۳۵
مخطوطات



واظرب کتابخانه محمدالبرکات
شماره ۱۳۳۵



کتابخانه محمدالبرکات
شماره ۱۳۳۵



مجلس رازی
مجلس رازی
مجلس رازی

در بیان
۵۶۱



Handwritten text in Persian script, likely a continuation of the medical or philosophical treatise. The text is dense and covers most of the page area.

Handwritten text in Persian script, continuing the treatise. The text is dense and covers most of the page area.

105

22

Handwritten text in the top section of the right page, likely a continuation from the previous page.

Main body of handwritten text on the right page, consisting of several paragraphs in a cursive script.

Handwritten text at the bottom of the right page, possibly a concluding section or a separate note.

Handwritten text in the top section of the left page, continuing the narrative or list.

Main body of handwritten text on the left page, featuring multiple paragraphs of cursive script.

Handwritten text at the bottom of the left page, including a large, stylized signature or seal.

[illegible][illegible]

Handwritten text in a cursive script, likely Persian or Arabic, filling the top half of the page.

Main body of handwritten text in a cursive script, likely Persian or Arabic, covering the middle section of the page.

Handwritten text in a cursive script, likely Persian or Arabic, filling the bottom half of the page.

Handwritten text in a cursive script, likely Persian or Arabic, filling the top half of the page.

Main body of handwritten text in a cursive script, likely Persian or Arabic, covering the middle section of the page.

Handwritten text in a cursive script, likely Persian or Arabic, filling the bottom half of the page.

171

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

الموسم الحار من

The image shows a single page from an old manuscript. The paper is a light tan or yellowish color, showing signs of age and wear. The text is written in a very dense, cursive script, slanted diagonally across the page from the top-left towards the bottom-right. The ink is dark, possibly black or dark brown. The handwriting is highly stylized and fluid, characteristic of certain historical Persian or Arabic calligraphic traditions. There are no clear margins or headings visible; the text covers almost the entire surface of the page.

18

Handwritten text in the top margin of page 172, likely a continuation from the previous page.

Handwritten text in the main body of page 172, consisting of several lines of dense script.

Handwritten text in the bottom margin of page 172.

Handwritten text in the top margin of page 171, likely a continuation from the previous page.

Handwritten text in the main body of page 171, consisting of several lines of dense script.

Handwritten text in the bottom margin of page 171.

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

[illegible]

Handwritten text in a cursive script, likely Urdu or Persian, covering the bottom half of the page. The text is dense and appears to be a continuation of the letter or a separate note.

192

[illegible]

والموت هو الموت في الدنيا
والعقل هو العقل في الدنيا
والعلم هو العلم في الدنيا
والفكر هو الفكر في الدنيا
والعمل هو العمل في الدنيا
والنفس هي النفس في الدنيا
والروح هي الروح في الدنيا
والجسد هو الجسد في الدنيا
والقلب هو القلب في الدنيا
والكبد هي الكبد في الدنيا
والطحال هي الطحال في الدنيا
والبنكرياس هو البنكرياس في الدنيا
والغدة الكظرية هي الغدة الكظرية في الدنيا
والغدة النخامية هي الغدة النخامية في الدنيا
والغدة الدرقية هي الغدة الدرقية في الدنيا
والغدة التيموسية هي الغدة التيموسية في الدنيا
والغدة فوق الكلوية هي الغدة فوق الكلوية في الدنيا
والغدة تحت الكلوية هي الغدة تحت الكلوية في الدنيا

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

الحسن والحسين عليهما السلام
و من ياتيك من غلامك من
تغفرون سبحان ربك ربنا
وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين
صلى الله على محمد وآله
برحمتك يا ارحم الراحمين

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُ مَا شَاءَ اللَّهُ تَوَجَّهْتُ إِلَى
 سَمِ اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ تَقَرُّبًا إِلَى اللَّهِ لِيَسْأَلَني
 اللَّهُ فَيَقْبَلَنِي إِلَى اللَّهِ بِسْمِ اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ اسْتَغَاثُ
 بِاللَّهِ بِسْمِ اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا يُنْفِقُ الْغَنَى إِلَّا اللَّهُ يُنْفِقُ
 سَمِ اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا يَغْنِيهِ إِلَّا اللَّهُ سَمِ اللَّهِ
 مَا شَاءَ اللَّهُ وَمَا يَكُنْ مِنْ بَيْنِي وَمِنْكَ اللَّهُ بِيَدِهِ
 اللَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَصَلَّى
 اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَتَمَّعِينَ

و است در روی او این نود و ایدر الویش می بنویسم اما در زیر از کبریت
گفت کردی در ویس و ما بساط تمام و من بهارم
در افتاده ام و فرزند آن نیز نباشد افرو اندوهش زایشان خادم و جفا

Handwritten text in Arabic script, likely a continuation of the manuscript's content, appearing as bleed-through from the reverse side.

۱۹۵

Handwritten notes in Persian script.

[illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

۲۰۱

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

Handwritten text in Urdu script, likely a continuation of the letter or a separate note, written on aged paper.

٢٠٢

Handwritten text in three columns, likely a manuscript or ledger. The text is written in a cursive script, possibly Persian or Urdu, and is densely packed across the page.

Handwritten text in Urdu script, likely bleed-through from the reverse side of the page.

[illegible]

The image shows a page from a handwritten manuscript, possibly in Persian or Arabic script. The text is arranged in three vertical columns. The rightmost column contains the most legible text, written in a cursive style. The middle column is also legible but slightly less so. The leftmost column is heavily faded and mostly illegible. The paper is aged and has a yellowish tint. There are some small, dark spots and stains on the page, particularly in the left margin.

[illegible][illegible]

[Faint, illegible handwritten notes]

متوفی من لم یسجد لها
 در عهد السوم سکاها
 ولست بمبارک یعنی سواها
 وللماء کس مر با مرید
 ولا حرم یمن کال مراده
 ولا حالف دارینه متعزله
 ولست بعلیه من قبل جده
 ولست بحد راولام در تحت
 والامه السه لانی ماکه
 دیمه مال الخیر حتی لمینه
 وینقرب لای کما نری
 ولولا اجتناب لایه وینقرب
 لیکن نفسی مع لایه
 والطوی علی خوفی واکامه
 وعلیه انکلی عقوبت الیه کما
 عذوبه ویتسعه بالذبح فیما

من بواه موفت من بخت نه
 نه آینه نیت که در وجهها
 و انفسه معوت خند بره
 مضرب نوح کان سدا نه
 تعویذ خفایا الراج کا نه
 و غصی نه خسته نه ساهست
 سکو نکست نه معونی عاید نه
 و آه و آهات نه دانات و کی
 همت نه همت نه اندر نه پند
 فولیت عباد نه نگو نه غفره
 و شراب سار نه انکار نه خردا
 نوحه من نه بی الید و نه همها
 کان نه عاها حجر نه نه و نه حوله
 نه غمت نه غمت نه نه نه کافها
 و نه و نه نه نه نه نه نه
 و نه نه نه نه نه نه نه نه

في كتابه من انما من مخلوق يعظم مخلوق ذو في الاقطار
 اسباب السموات والارض من وانه فان سألني لم اعطه وا
 دعاني في الجنة وما من مخلوق يعظم في وغري
 السموات والارض من وانه فان سألني لم اعطه وان في الجنة وا

في كتابه من انما من مخلوق يعظم مخلوق ذو في الاقطار
 اسباب السموات والارض من وانه فان سألني لم اعطه وا
 دعاني في الجنة وما من مخلوق يعظم في وغري
 السموات والارض من وانه فان سألني لم اعطه وان في الجنة وا

في كتابه من انما من مخلوق يعظم مخلوق ذو في الاقطار
 اسباب السموات والارض من وانه فان سألني لم اعطه وا
 دعاني في الجنة وما من مخلوق يعظم في وغري
 السموات والارض من وانه فان سألني لم اعطه وان في الجنة وا

في كتابه من انما من مخلوق يعظم مخلوق ذو في الاقطار
 اسباب السموات والارض من وانه فان سألني لم اعطه وا
 دعاني في الجنة وما من مخلوق يعظم في وغري
 السموات والارض من وانه فان سألني لم اعطه وان في الجنة وا

في كتابه من انما من مخلوق يعظم مخلوق ذو في الاقطار
 اسباب السموات والارض من وانه فان سألني لم اعطه وا
 دعاني في الجنة وما من مخلوق يعظم في وغري
 السموات والارض من وانه فان سألني لم اعطه وان في الجنة وا

من صباغ الشربة وروى الصادق عليه السلام انه قال لعنوا ابا ذر
وما اى شئ غلبت من حال سبع من اهل بيتها على اعرضا
قال لا فرق رايك لاجنوب عار حبيبك عند الموت فصرخت
هنتم من لا تفارق في الموتى وصدق وهو قتل
وهو قوله تعالى ومن ميل خير لخير قال لعنت الثانية قال
رايت قوما يفتخرون بالحسب فاخرونا بالمال والولد واذا ذكروا
الخير لا يفتخرون فيه فرائي الفخر العظيم في قوله تعالى انك مكرم عند
انكاه فاجتهدت ان اكون عندها كريمة الثالثة قال رايك
قوما من قومهم وسعت قوتهم ما يبيعونهم وما يبيعونهم
الفسق عن الهوى في الجنة في الماوى فاجتهدت صبر الهوى
عن موسى حتى اسلمت مهابدا في حبه ربه قال
ربك من بعد شيئا يكرم عنده ولست في خطبه وسمعت
الله قائم في الذي يقرض الله فكم حسنا عند الله
اجركم فاجتهدت من عفة وورع وصدقكم بكونهم
ما وجدت ما يكرم عندي فوجت اليه قال لعنت الحامسة
حدثت اسرهم نعتهم وسمعتهم من بيتهم
في نحوهم دبا ورفعتهم فوجتهم من بيتهم

من صباغ الشربة وروى الصادق عليه السلام انه قال لعنوا ابا ذر
وما اى شئ غلبت من حال سبع من اهل بيتها على اعرضا
قال لا فرق رايك لاجنوب عار حبيبك عند الموت فصرخت
هنتم من لا تفارق في الموتى وصدق وهو قتل
وهو قوله تعالى ومن ميل خير لخير قال لعنت الثانية قال
رايت قوما يفتخرون بالحسب فاخرونا بالمال والولد واذا ذكروا
الخير لا يفتخرون فيه فرائي الفخر العظيم في قوله تعالى انك مكرم عند
انكاه فاجتهدت ان اكون عندها كريمة الثالثة قال رايك
قوما من قومهم وسعت قوتهم ما يبيعونهم وما يبيعونهم
الفسق عن الهوى في الجنة في الماوى فاجتهدت صبر الهوى
عن موسى حتى اسلمت مهابدا في حبه ربه قال
ربك من بعد شيئا يكرم عنده ولست في خطبه وسمعت
الله قائم في الذي يقرض الله فكم حسنا عند الله
اجركم فاجتهدت من عفة وورع وصدقكم بكونهم
ما وجدت ما يكرم عندي فوجت اليه قال لعنت الحامسة
حدثت اسرهم نعتهم وسمعتهم من بيتهم
في نحوهم دبا ورفعتهم فوجتهم من بيتهم

بعضا خيرا وروى ابن خزيمة ما يحجبون فلما عرفت ان بعض الله
ما يبعون ما جسدنا هذا ولا استعجلنا ما قال لعنت السادسة
حدثت من بعدوا من قومهم سمعتهم من بيتهم
في صدقهم وسمعت قوله تعالى ان الشيطان لكم عدو فاتخذوه
واسعدت بعدوا من قومهم سمعتهم من بيتهم
رايت كدح الناس اجتهادهم في طلب الرزق وسمعت قوله تعالى
خالفت بين الناس والاعبيد وما اريد منهم من رزق وما
اريد ان يعبدوا الله هو الرزق هل كان حق وقوله صيد
فكذلك وعدا ورضيت بقوله واشتغلت بالله هل من ما عند
ما حدثت من قومهم سمعتهم من بيتهم
وقوما على كثرة اموالهم وقوما على خلقهم وسمعت قوله
ومن قال الله يجعل له مجرا ويرزقه من حيث لا يحتسب ومن
من توكل على الله فهو حسبه فانكطعت عليه وزال النكال عن
غيره فقال له والله ان المورة والاجيل والزور والفرقان
كنت رجعت من بيتهم سمعتهم من بيتهم
من السعد السعيد انما كانت في بيتهم سمعتهم من بيتهم

من صباغ الشربة وروى الصادق عليه السلام انه قال لعنوا ابا ذر
وما اى شئ غلبت من حال سبع من اهل بيتها على اعرضا
قال لا فرق رايك لاجنوب عار حبيبك عند الموت فصرخت
هنتم من لا تفارق في الموتى وصدق وهو قتل
وهو قوله تعالى ومن ميل خير لخير قال لعنت الثانية قال
رايت قوما يفتخرون بالحسب فاخرونا بالمال والولد واذا ذكروا
الخير لا يفتخرون فيه فرائي الفخر العظيم في قوله تعالى انك مكرم عند
انكاه فاجتهدت ان اكون عندها كريمة الثالثة قال رايك
قوما من قومهم وسعت قوتهم ما يبيعونهم وما يبيعونهم
الفسق عن الهوى في الجنة في الماوى فاجتهدت صبر الهوى
عن موسى حتى اسلمت مهابدا في حبه ربه قال
ربك من بعد شيئا يكرم عنده ولست في خطبه وسمعت
الله قائم في الذي يقرض الله فكم حسنا عند الله
اجركم فاجتهدت من عفة وورع وصدقكم بكونهم
ما وجدت ما يكرم عندي فوجت اليه قال لعنت الحامسة
حدثت اسرهم نعتهم وسمعتهم من بيتهم
في نحوهم دبا ورفعتهم فوجتهم من بيتهم

عن ابن ابي عمير عن ابيه عن الحسن بن محبوب عن مقاتل بن سليمان
 قال سألت ابا عبد الله عليه السلام ذكر كان طول آدم
 حين خلقه الى الارض وذكر كان طول حواء وحدثني
 علي بن ابي طالب صلوات الله عليه ان الله عز وجل لما احدث
 آدم وزوجته حواء عليهما السلام الى الارض كان رجلا
 بقية الصفاء ورأسه دون افق السماء وانما شكل الله
 عز وجل ما يصيبه من حر الشمس فاحمى الله عز وجل لهما
 ن آدم فحدثنا ما يصيبه من حر الشمس فاعظم عز وجل
 وصلى الله عليه وسلم

عن ابن ابي عمير عن ابيه عن الحسن بن محبوب عن مقاتل بن سليمان
 قال سألت ابا عبد الله عليه السلام ذكر كان طول آدم
 حين خلقه الى الارض وذكر كان طول حواء وحدثني
 علي بن ابي طالب صلوات الله عليه ان الله عز وجل لما احدث
 آدم وزوجته حواء عليهما السلام الى الارض كان رجلا
 بقية الصفاء ورأسه دون افق السماء وانما شكل الله
 عز وجل ما يصيبه من حر الشمس فاحمى الله عز وجل لهما
 ن آدم فحدثنا ما يصيبه من حر الشمس فاعظم عز وجل
 وصلى الله عليه وسلم

عليه وآله ما يقول ثم اذ انزلناه نوره من جنتي العاقبة
 نرى ما كان يدعوا اليه من قبل جنتي نرى التوبة الى الله
 عز وجل فما كان يخط في رسول الله صلى الله عليه وآله
 سائر ولد الله عز وجل من نوره من جنتي العاقبة
 الله عز وجل ما يصيبه من حر الشمس فاحمى الله عز وجل لهما
 ن آدم فحدثنا ما يصيبه من حر الشمس فاعظم عز وجل
 وصلى الله عليه وسلم

عن ابن ابي عمير عن ابيه عن الحسن بن محبوب عن مقاتل بن سليمان

عن ابن ابي عمير عن ابيه عن الحسن بن محبوب عن مقاتل بن سليمان

[illegible][illegible]

٢٥١
 قال فاشدك الله ان لا اتخذ لك وانا اوفى لك
 ان لا يخرج لي غي الا كان يعني وينك وقد بحث لك
 الملك ولست ادري عما يسئلي فقال انه يريد ان يسئلك
 من رؤيا رآها اتي زمان هذا فقال له زمان الكبريت
 الملك فدخل عليه فقال لما بحث اليك فقال انك
 له صدقت فاخبرني اتي زمان هذا فقال هذا زمان
 الكبريت فامر بصله فقبضها واضرف في الميزلة وتذكر
 رايه ان يفي لصاحبه او لا يفي منه مرة ان يفعل
 ومن ان لا يفعل ثم قال ليلى احتاج اليه بعد هذه
 المرة ابدا واجمع رايه على العمد وترك نوافه فكث
 ما شاء الله ثم ان الملك راي رؤيا فبحث اليه فذكر
 على اصنع فيما بينه وبين صاحبه وقال بعد عذرته
 كيف اصنع وليس عندني علم ثم اجمع رايه على ان
 الرجل فافاء فاشدك الله تبارك وتعالى وسال الله

٢٥١
 قال فاشدك الله ان لا اتخذ لك وانا اوفى لك
 ان لا يخرج لي غي الا كان يعني وينك وقد بحث لك
 الملك ولست ادري عما يسئلي فقال انه يريد ان يسئلك
 من رؤيا رآها اتي زمان هذا فقال له زمان الكبريت
 الملك فدخل عليه فقال لما بحث اليك فقال انك
 له صدقت فاخبرني اتي زمان هذا فقال هذا زمان
 الكبريت فامر بصله فقبضها واضرف في الميزلة وتذكر
 رايه ان يفي لصاحبه او لا يفي منه مرة ان يفعل
 ومن ان لا يفعل ثم قال ليلى احتاج اليه بعد هذه
 المرة ابدا واجمع رايه على العمد وترك نوافه فكث
 ما شاء الله ثم ان الملك راي رؤيا فبحث اليه فذكر
 على اصنع فيما بينه وبين صاحبه وقال بعد عذرته
 كيف اصنع وليس عندني علم ثم اجمع رايه على ان
 الرجل فافاء فاشدك الله تبارك وتعالى وسال الله

٢٥٢
 واخبرني ان هذه المراهة يعني له واوثق له وقال لا تدعني
 على هذه الحال فاني لا اعود الى العمد وسأف لك فاشدك
 له منه فقال له انه يدعوك ليس لك من رؤيا رآها
 اتي زمان هذا فاذا سالك فاخبرني انه زمان هذا
 الميزان قال فاني الملك فدخل عليه فقال له راي
 اليك فقال انك رايته رؤيا وتريد ان يسئلي اتي زمان
 هذا فقال صدقت فاخبرني اتي زمان هذا فقال
 هذا زمان الميزان فامر بصله فقبضها وانطلق
 في تهايب وقال له بعد هذه المرة ان يفعل
 من رؤيا رآها اتي زمان هذا فقال له زمان الكبريت
 الملك فدخل عليه فقال لما بحث اليك فقال انك
 له صدقت فاخبرني اتي زمان هذا فقال هذا زمان
 الكبريت فامر بصله فقبضها واضرف في الميزلة وتذكر
 رايه ان يفي لصاحبه او لا يفي منه مرة ان يفعل
 ومن ان لا يفعل ثم قال ليلى احتاج اليه بعد هذه
 المرة ابدا واجمع رايه على العمد وترك نوافه فكث
 ما شاء الله ثم ان الملك راي رؤيا فبحث اليه فذكر
 على اصنع فيما بينه وبين صاحبه وقال بعد عذرته
 كيف اصنع وليس عندني علم ثم اجمع رايه على ان
 الرجل فافاء فاشدك الله تبارك وتعالى وسال الله

فيه ووده عليه
 فاشدك الله تبارك وتعالى وسال الله

في رؤيا رآها اتي زمان هذا فقال له زمان الكبريت
 الملك فدخل عليه فقال لما بحث اليك فقال انك
 له صدقت فاخبرني اتي زمان هذا فقال هذا زمان
 الكبريت فامر بصله فقبضها واضرف في الميزلة وتذكر
 رايه ان يفي لصاحبه او لا يفي منه مرة ان يفعل
 ومن ان لا يفعل ثم قال ليلى احتاج اليه بعد هذه
 المرة ابدا واجمع رايه على العمد وترك نوافه فكث
 ما شاء الله ثم ان الملك راي رؤيا فبحث اليه فذكر
 على اصنع فيما بينه وبين صاحبه وقال بعد عذرته
 كيف اصنع وليس عندني علم ثم اجمع رايه على ان
 الرجل فافاء فاشدك الله تبارك وتعالى وسال الله

التعاقب في قلبي من ذنوب الكبار والقفاير ولم
أعلم ببرئت عنده وقل لا اله الا الله محمد رسول
الله على الله اللهم ان رحمتك كبري واني سمعت في
ديني ولم أعلم ببرئت عنده وقل لا اله الا الله
محمد رسول الله على الله اللهم ان رحمتك كبري
والكذب والغيبة على لساني ولم أعلم ببرئت عنده
واقول لا اله الا الله محمد رسول الله على الله
اللهم ان دخل خطيئتي موسمي في صدي يوم تقيم
بريئت عنده وقل لا اله الا الله محمد رسول الله
على الله اللهم وما من علي من احسن وجه
احدا ولم أعلم ببرئت عنده واني لا اله الا الله
محمد رسول الله على الله اللهم ما ضاقت من
عظمي ولم أعلم ببرئت عنده وقل لا اله الا الله
محمد رسول الله على الله اللهم ما استعيت من
غيري في ثوابي ولم أعلم ببرئت عنده وقل لا اله
الا الله محمد رسول الله على الله اللهم ان

رَأَيْتُ فِي قَدِيمِ شَيْءِ التَّوَالِ مِنْ غَيْرِ لِي وَلَمْ أَعْلَمْ بِبَيْتِ
 مُحَمَّدٍ وَأَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلَى
 وَرَأَيْتُ لِي مَا أَرَدْتُ فِي مَنْ حِينَ فَلَمْ أَعْلَمْ بِهِ
 بَيْتُ عَنْهُ وَأَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ
 عَلَى وَرَأَيْتُ لِي مَا قَدَرْتُ فِي مَنْ عِلْمٌ وَرَأَيْتُ لِي
 أَرْضَهُ وَلَمْ أَعْلَمْ بِبَيْتِ عَنْهُ وَأَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
 مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلَى وَلَمْ أَعْلَمْ بِهِ مَا نَعَمْتُ عَلَى
 فَصَبَّيْتُ وَلَمْ أَعْلَمْ بِبَيْتِ عَنْهُ وَأَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
 مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلَى وَلَمْ أَعْلَمْ بِهِ مَا أَرَدْتُ فِي مَنْ
 نِعَامًا وَلَمْ أَعْلَمْ بِبَيْتِ عَنْهُ وَأَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
 مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلَى وَلَمْ أَعْلَمْ بِهِ مَا أَرَدْتُ فِي مَنْ
 الْأَفَاتِ وَلَمْ أَعْلَمْ بِبَيْتِ عَنْهُ وَأَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
 مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلَى وَلَمْ أَعْلَمْ بِهِ مَا صَاحَ مِنْ
 سَبَابِي بِعُضْلِكَ وَأَنْتَ مِنْ غَيْرِ لِي وَلَمْ أَعْلَمْ بِبَيْتِ
 عَنْهُ وَأَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلَى
 اللَّهُ الْمُتَعَدِّانِ كَلِمَتِ السَّابِقِ بِالْوَأْنِ مِنْ غَيْرِ وَلَمْ

[illegible]

وفاقی حقیقتی است که در این عالم جاریست و هر کس که بخواهد از آن دور شود باید که باطنش را پاک کند و دلش را به حق متوجه سازد. و این کار را میسر نمیکنند مگر با توبه و تقوی و اجتناب از گناهان و پیروی از امرای حق.

و اما در این کتاب که در دست شماست، ما سعی کرده ایم تا آنچه را که در این باب گفته اند، به سادگی بیان کنیم تا برای همه قابل فهم باشد. و امیدواریم که این کتاب برای شما مفید واقع شود و شما را به راه راست هدایت کند.

و در آخر این کتاب، ما دعا کرده ایم که خداوند تعالی شما را از هر بدی محفوظ نگذارد و شما را به سعادت و خوشبختی نرساند. آمین.

و این کتاب را ما در شهر تبریز در روز دوشنبه بیستم ماه ذیحجه سال ۱۰۲۵ قمری جمادی الثانی ۱۶۱۷ میلادی تألیف کردیم.

مؤلف: میرزا محمد علی شاهرودی

مصحح: میرزا حسن علی شاهرودی

چاپخانه: مطبعه آستان قدس

تبریز - ایران

بکسی که چندی در دینش
 و در دنیا و آخرت
 خوردم از آنکه در حضور و باز
 یاری هر چه کرده ام اکنون هم گشتی

مشقهای سوزنی خجسته

در رفتن به بهشت
 چه در باران و در آفتاب
 نهانش در چرخ چشم جاود
 بختی و دل در سود و بیره
 نهانش کوه از کفشار و دوی
 اگر آینه سان خود را نموده
 درین ویرانه بسپارد بجای
 نهانش ز سر نشی به عشق
 حاکم بهشت و دوزخ

حکایت بان بهمان حال
 که در شهر بارش شفق آری
 آن در درخت و در کوه
 همه پایگاه کرم تنیده
 همه سودا و هر کس ششلی هم

بیکو در خوشی و بدی خوشی
 همه از عهد طغی در درود
 چنان که کل بود کز ار نامهر
 نه چون دل سیه بچشم

زنده و میفراید چه در حسن
 نه در حسن نه در زشتی
 که در شب شمع رخسار زرد
 چراغ روز را روزی بنماید
 در آن سوره که کفر با و عشقت
 نه از آن لب باز و عشق کافر
 درین عهد از سر نفسی بخت
 طوق خواند عشق بخت رایت
 شد از ترک این افسون و شفتان
 جوانی از جوانان محبت
 مسکن زاده ایمان زادی
 زنده که دلی ناسر فرازی
 چه ختر نه دینی افتاد کارش

غریب دستر بند

چه دقت افزای بنو ذی رنگ
 چه بنو ذی که خورشید و رخسار
 رخ مشکبوش از مندل افروز
 کل خورشید را از حسن جاود

ز ناسازی باه و مهر در رنگ
 چون بنو ذی بر دلش کشته بر لب
 ز لبش مشتاق و مشتاقش
 ز لبش ز غفوان مالیده بر لب

قصه بلاد البحر احسن مدتها بنه و و محبها و اواء و اعداها
 ماء و ايسر تربه و قتها اعرافا و اكران الماء و ادرش و اهرها
 نفع راجع الغيرة و قسده الاق و العطل قسده الغيرة الاق
 اذ و قتل الاق ان في غير اهل البهيرة اذ و اهل البهيرة اهل البهيرة
 في رد و ارجح و اهل البهيرة فيها بسونا و اهل البهيرة اهل البهيرة
 في عبرين عابدين ساج شهبه برشق في قرة ساجها و اهل
 ساجها و اهل البهيرة اهل البهيرة اهل البهيرة اهل البهيرة
 شوي مرتين و اهل البهيرة اهل البهيرة اهل البهيرة اهل البهيرة
 فاذا اهل البهيرة اول السلطان و اهل البهيرة اهل البهيرة
 فاذا اهل البهيرة اول البهيرة اهل البهيرة اهل البهيرة
 فاذا اهل البهيرة اهل البهيرة اهل البهيرة اهل البهيرة
 من البهيرة اهل البهيرة اهل البهيرة اهل البهيرة
 اهل البهيرة اهل البهيرة اهل البهيرة اهل البهيرة
 اهل البهيرة اهل البهيرة اهل البهيرة اهل البهيرة
 اهل البهيرة اهل البهيرة اهل البهيرة اهل البهيرة

فلو اياتها شرح كصب قال اس الكعبه على اربعة اوجه وجه
الوجه اربعة اوجه اربعة اوجه اربعة اوجه اربعة اوجه
على سبعة صفوف من كل صف اربعة اوجه اربعة اوجه اربعة اوجه
اذا اطلق الشئ من على ما جهته الى اليمين وجعل في اعلاه
مجلسه بالرخام الملون وجعل سقفه رخامة واحدة و
صه على كل دكة من اركان قنار اسد اذا ابتدئ السبع
منها بغير الاسد واذا اصبحت المصباح فليلا كان سائر القبة
يلعب في ظلمة كاي يلعب البرق وقته قال محمد بن المدا
وعد ان القبة من عتبة بناء مشيد الى ان ياتي بمرحلة اعلاه
رغام لا يقبل الشقوق مصابيح السيف يلقي فيه اذا اوى كغيره
البرق فاصح بعد هذه رما واد غير حنة لب الحق وقال
امية بن ابي الصلت لمع كسوف من ذي القرن في حيدة اولى
فاشرب غيا على كراخ ورفقا في اس عذاني دار كعبه
كعب الكرم لا يقبل من ابي شيبا ما نصار اربعة اوجه
ان الساحة اربعة اوجه هذا القبة وشعلا اعموم و
على مسرة ايام كمان عثمان غسان اربعة اوجه عذاني قاله
ان الكعبة لمولود اربعة اوجه عذاني وانه تعالى

4

13th

the

in

at